

هذا

 کتابنا ینطق علیکم بالحق

مجلة
دانش آموز

ابانماه (شماره یازدهم) ۱۳۳۱

آه ۲۵ - ۲۷

« تفسیر سوره بقره »
 خداوند! پناه تو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشارت بنتائج ایمان ، خداوند مثل میزند ، معرفی فاسق ،
 وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ سَمِعُوا الصَّلَاةَ إِذْ رَأَوْهُمُ كَتَمَتْ
 تَجْوِرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارَ كَمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ قَبْلُ وَ كَمَا رَزَقُوا قَالُوا
 هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتُمْ بِهَا مُتَشَابِهُونَ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ
 مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۲۵ إِنْ لَمْ يَنْصَرِفِي أَنْ يُضْرَبَ
 مَلَكًا بِأَبْوَسَةٍ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ
 مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا آرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا
 يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يُهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ۲۶
 الَّذِينَ يُدْعُونَ عِبَادَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقَطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ
 أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْغَاسِقُونَ ۲۷

فهرست مندرجات

صفحه	نویسنده	عنوان
۱	آقای سید محمود طالقانی	تفسیر قرآن
۳	ترجمه آقای کمره (سیبری)	نهج البلاغه و خلفت
۵	آقای مهدی بازرگان (استاد دانشگاه)	مذهب در اروپا
۱۱	آقای دکتر سیاسی (وزیر فرهنگ)	تربیت حافظه
۱۸	> حسین مکی	ماهیت عشق
۲۱	> شکینیا پور	تاریخ کانال سوئز
۲۲	> ۲ - بهلوان	رندان سینه چاک
۲۵	-	با دانش آموز مکاتبه کنید
۲۶	-	آگهی
۲۷	-	شهرهای کشور
	ع . ۲ - مهابادی	عهه مقصریم

پای این شماره

۳ ریال

وجه اشتراك | تهران ۳۰ ریال
 سالیانه | شهرستانها ۳۵

صاحب امتیاز و مسئول : ع . ۱۰ ، گلچین سردی و مدیر : م . ع . مهابادی

نشانی اداره : تهران - خیابان امیریه جنب خیابان فرهنگ

« ترجمه » بشارت ده مردمیگه ایبان آورده و کار های شایسته انجام دادند بآنکه بر ایشان بهشتیانست که نهر ها از زیرشان جاریست هرآن گاه که روزی تازه از میوه آن روزی داده شوند گو پند این همان است که پیش از این روزی داده شدیم با آنکه آن روزی، قریب الشبه بیکدیگر است و برای آنها در آن بهشت است جفت های پاکیزه شده ازهر آورده گمی و آنها در آن بهشت جایزیدانند خداوند پاک ندارد که هر مثلی زندیق باشد یا بالاتر از آن لکن کسانیکه ایبان آورده اند میدانند که آن مثل حق است (حقیقت و واقعیتی دارد) واز پروردگار است (برای پروردگاری و تربیت است) ولی کسانیکه کافر شده اند میگویند از چنین مثل چه اراده کرده خلق فراوانی را باین مثل گمراه میکنند و خلق فراوانی را هدایت با آنکه این مثل جز مردم فاسق را گمراه نمیکند همان فاسق هائیکه پیمان های خدائی را بی دبی پس از بستن و استحکام آن می شکنند و آنچه خداوند بوصل همیشه آن امر کرده قطع میکنند و در زمین همی فساد مینمایند اینها همان مردم زبانگردد .

« تفسیر » پس از بیان آتشی که نتیجه اعراض از حکومت قرآن است نتایج ایبان بقرآن را آغاز نموده و بآن بشارت داده و نتایج بزرگ عقابی آنرا بزبان رمز و مثل و آمیخته بملذات حسی بیان فرموده . چه اول فعالیت قرآن در نفوس و اجتماعات تحریک و درهم شکستن آراء و عقاید و عاداتی است که بهرور زمان متحجر شده و افراد و اجتماعات را از تطهیر که خاصه انسان است بوضع بستگی و تعجز درآورده و نتیجه این جنبش باز شدن سرچشمه معارف نو بنو و ابتکارات است و نتیجه آن توازن و تعادل در قوای فرد و اجتماع است و در اثر آن رویدن و سبز شدن اخلاق فاضله و اعمال مشرّه است که ریشه آن بسرچشمه معارف و ادراکات است که خشکی و ذبول ندارد و رو ب نتیجه رفتن حرکات است که از هر حرکت و جنبش نتایج و ثمرات متشابه بی دبی حاصل شود و هر نمر و هر نمره و اندیشه جدید جفت شده نتایج مضاعف شود و نتیجه این تضاعف خلود بهره با فکر و اندیشه جفت شده نتایج مضاعف شده است و نتیجه این تضاعف خلود و جاویدانی در بهشت است « خداوند این حقایق اساسی را که پایه بهشت است برای ادراک همه در این جهان بزدن مثل و در عالم دیگر بملذات حسی مثل نموده (۱)

مائدۀ عقلست نی نان و شوی	نور عقلست ای پس جانرا غدی
نیست غیر نور آدم را خورش	از جز آن جان نیابد پرورش
زین خورشها اندک اندک بازیر	کین غدای خر بود نی آن حر
تا غدای اصل را لایق شوی	لقمه های نور را آکل شوی

(۱) از این بیان و نیز از آیه ۳۵ سوره رعد «ذلّٰی اُجِبۡتَ الّٰهۡمۡی و بَعۡدَ الّٰهۡمۡنۡ» نظم و

ربط آیات واضح میشود .

عکس آن نور است کین نان نانشدست فیض آن جان است کین جان جانشدست

چه خداوند بیکه جهانی حکمت را در پیگر کوچک پندّه مثلث نموده پاک ندارد که بآن مثل زند کسانیکه بیرون ظواهر حسی ایبان دارند میدانند که این مثلها حق و برای نشان دادن حقیقتی است و از جهت پروردگاری و تربیت است ولی کسانیکه غوطه وری در محسوسات آنها را از درک ماوراء محبوب نموده در این مثل ها متحیرند می بایند که مردمی از راه همین مثلها براه افتاده رو بقصدی نزدیک میشوند و زندگی شان از هر جهت روز افزون است و مردمی هم بتحیر و گمراهیشان افزوده میشود با آنکه اگر درست بنگرند جز مردم فاسق (بیرون جسته از نظامات) گمراه نمیشوند ، فاسق کسانی اند که عهد های فطرت را با استحکامش یکی پس از دیگری نقض میکنند ، چون عهد حب کمال ، حب بقاء ، حب معرفت ، حب جمال ، حب خلق ، و در اثر نقض این عهد های خدائی ، روابط خود را با جهان و جهانیان که باید همی مستحکم شود قطع میکنند و در اثر قطع این روابط و بیروی از شهودت پست و رذائل که او را از نظامات خارج میکنند دست نمادی بهر حقی میکنند و در آخر جز خسران و ازدست دادن سرمایه های هستی و بقاء چیزی ندارند ،

مانده از شماره قبل

« نوح البلاغۀ و خلقت »

نیرو فرسا که کراتند بتناسب وسعت میرستک و بتناسب دوری شتابانند و سستی که در نقش میدان منظور شده و فراخی که در طرح ویزی خیابانهای فضاء اعتبار شده گواهی میدهد که قدم رهروان آنها بسی بلند و باز و تاخت و تاز آنها بسیار سریع و بی نظیر است چنانکه خطوط نور که مظان مساحت این فضاء است بآنها رسانست مقایسه آنها باهیج مرکبی از قبیل قطار و . . . جایز نیست .

سپس در وسعت پهناور آن آبی را هولناک و سهمگین جریان داد (۱) آبی که مادر بزرگ اقیانوسهای جهانی است .

آبی که امواج پرشورشش در تلاطم و غریب و ستونهای بلند بالای دنباله

(۱) ترجمه نسخه بدل : کبرکرامت - یا - بسرگردانی و جبرانی وادانت .